



بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ارائه گزارش کنترل‌های داخلی بر کیفیت سود

دکتر ساسان مهرانی^۱، رویا عبادی نقرلو، سهراب حسین‌زاده

چکیده: راهبری شرکتی نقش قابل‌توجهی در محیط عملیاتی حسابداری و حسابرسی دارد. کمیته حسابرسی و کنترل‌های داخلی از مکانیزم‌های اصلی راهبری شرکتی می‌باشند و با عنایت به این‌که در سال‌های اخیر نقش کمیته حسابرسی در فرآیند آماده‌سازی گزارش‌های مالی افزایش یافته است، در این پژوهش اثر مکانیزم‌های اشاره شده شامل ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ارائه گزارش کنترل‌های داخلی بر کیفیت سود سنجیده شده است. تعداد ۱۵۹ شرکت که در بورس و اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ پذیرفته شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. از رگرسیون حداقل مربعات جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده است و نتایج حاکی از تأثیر تعداد اعضای مستقل و متخصص کمیته حسابرسی و همچنین ارائه گزارش‌های کنترل‌های داخلی در بهبود کیفیت سود است، بدین صورت که با افزایش استقلال و تخصص اعضا و همچنین ارائه گزارش‌های کنترل‌های داخلی کیفیت سود افزایش می‌یابد و بالعکس. لیکن تعداد اعضاء کمیته حسابرسی نقشی معنادار در بهبود کیفیت سود ندارد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های کمیته حسابرسی، گزارش کنترل‌های داخلی، کیفیت سود.

smehrani@ut.ac.ir

۱. دانشیار حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۱. مقدمه

در هزاره سوم اتفاقاتی از قبیل ورشکستگی مالی شرکت‌های معروف و بزرگ موجب پیچیده‌تر شدن محیط‌های تجاری شد که در نهایت کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران را در پی داشت. چنین رویدادهایی باعث شده تا اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به خروجی سیستم حسابداری که همان گزارش‌های است و همین‌طور توانایی پیش‌بینی آینده واحدهای تجاری با استفاده از اطلاعات گزارش شده کاهش یابد (الدماری و اسماعیل، ۲۰۱۳). در همین حین راهبری شرکتی و مکانیزم‌های آن به‌عنوان یکی از سازوکارهای مقابله با چنبن‌رسوایی‌هایی وضع شد تا بین نتایج و عملکرد شرکت با تصمیم‌گیری و قضاوت مدیران توسط سیاست‌گذاران اقتصادی و مالی در بیشتر کشورها همبستگی ایجاد کند و که موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی گردد. راهبری شرکتی، سیاست‌ها فرآیندها و روش‌هایی است، شامل با هدایت، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های مدیران که موجب کاهش مسائل نمایندگی ناشی از افزایش تضاد منافع بین مدیر و ذی‌نفع می‌شود (این موضوع از جدایی مالکیت و کنترل سرچشمه می‌گیرد)، راهبری شرکتی از این طریق در خدمت سهامداران و سایر ذی‌نفعان می‌باشد (کیونگ، ۲۰۱۳). راهبری شرکتی در واقع زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که مدیران می‌خواهند سهامداران را گمراه کرده و منافع خود را افزایش دهند یعنی دارای انگیزه‌های فرصت‌طلبانه هستند (کریستای و زیمرمن، ۲۰۰۰). راهبری شرکتی از طریق نظارت و کنترل بر مدیریت، از قدرت مدیران برای اعمال مدیریت سود کاسته و در مقابل می‌تواند به محتوای اطلاعاتی سود بیفزاید (پیسنل و همکاران، ۲۰۰۰). ساختار راهبری شرکتی با مکانیزم‌های داخلی و خارجی از جمله هیئت‌مدیره، کمیته حسابرسی، مدیریت اجرایی، کنترل‌های داخلی و وظیفه حسابرسی داخلی، بازار سرمایه، حساب‌رسان مستقل و قوانین و مقررات دولتی شکل می‌گیرد؛ بنابراین، اثربخشی راهبری شرکتی و اثربخشی اجزا و مکانیزم‌های آن در هم‌تنیده بوده و یکی علت و معلول دیگری است (مشایخ و اسماعیلی، ۱۳۸۵). به موازات اهمیت روزافزون موضوع راهبری شرکتی و ارتقای کیفیت آن در سراسر شرکت‌های سهامی عام، استقرار واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان سازوکار داخلی آن که دارای تاریخچه‌ای چندین ساله است، مورد توجه قابل‌ملاحظه قرار گرفته است.

از این رو در ایالت متحده، قانون "ساربنز آکسلی" به منظور افزایش کیفیت گزارشگری مالی

و همچنین برای برگشت اعتماد سرمایه‌گذاران (که با توجه به رسوایی‌های مالی به وجود آمده بود) به قابلیت اعتماد صورت‌های مالی به تصویب رسیده است. از جنبه‌های مهم این قانون، الزامی شدن برقراری سیستم کنترل‌های داخلی و ارائه گزارش کنترل‌های داخلی است. ارائه گزارش کنترل داخلی موجب می‌شود که از طرفی شرکت‌ها درصدد برطرف سازی نقاط ضعف شناسایی شده در گزارش کنترل‌های داخلی گام برداشته و سرمایه‌گذاران نیز از کیفیت کنترل‌های داخلی مطلع شوند و در نتیجه اهداف قانون ساربنز آکلی تحقق یابد (چن و همکاران، ۲۰۱۹). در ایران نیز جهت برقراری کنترل‌های داخلی اثر بخش، سازمان بورس و اوراق بهادار دستورالعمل کنترل‌های داخلی را منتشر نمود. این دستورالعمل با ۱۸ ماده و دو تبصره، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و افزایش شفافیت بازارها را هدف قرار داده است. به منظور برقراری کنترل‌های داخلی اثربخش و حصول عملکرد مورد انتظار، تشکیل کمیته حسابرسی زیر نظر هیئت‌مدیره الزامی شده است.

کمیته حسابرسی، به منظور محافظت از منافع سهامداران، وظیفه نظارت بر گزارشگری مالی را عهده‌دارند، به عبارت دیگر رسالت اصلی کمیته حسابرسی جلوگیری از ارائه صورت‌های مالی گمراه‌کننده می‌باشد (کانگ، ۲۰۱۹). اهمیت کیفیت سود ناشی از سودهایی است که تصمیم‌گیری بسیاری از گروه‌ها به آن بستگی دارد (دیچو، ۱۹۹۴)؛ بنابراین سودهای با کیفیت بالا برای مالکان بالقوه و بالفعل حائز اهمیت است. پس از کیفیت سود می‌توان به عنوان معیاری برای سنجش تأثیر کنترل‌های داخلی و کمیته حسابرسی به عنوان مکانیزم‌های راهبری شرکتی در دستیابی شرکت‌ها به اهداف گزارشگری مالی استفاده نمود؛ بنابراین مسئله اصلی پژوهش بررسی انتفاع سهامداران و سایر ذینفعان، از پیکربندی راهبری شرکتی در شرکت‌ها در پی به کارگیری دستورالعمل کنترل‌های داخلی جهت دستیابی به اهداف گزارشگری مالی می‌باشد. ضمناً از آنجایی که برقراری سیستم راهبری شرکتی برای کلیه ذینفعان شامل سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل و هیئت‌مدیره حائز اهمیت است، نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه موجب آگاهی ذینفعان از نتایج برقراری مکانیزم‌های راهبری شرکتی می‌گردد. چرا که راهبری شرکتی اثربخش موجب حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات، افزایش قابلیت اعتماد صورت‌های مالی و افزایش کارایی و اثربخشی می‌شود.

نوآوری پژوهش حاضر علاوه بر بسط مبانی نظری و ادبیات موضوع پژوهش، بررسی تأثیر

هم‌زمان هر سه ویژگی قابل اندازه‌گیری بیان شده در منشور کمیته حسابرسی مصوبه سال ۱۳۹۱ هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار (شامل اندازه، تخصص و استقلال اعضا کمیته حسابرسی) و همچنین ارائه گزارش‌های کنترل داخلی بر کیفیت سود می‌باشد. لازم به توضیح است به مورد مذکور در ادبیات پژوهش، پرداخته نشده است.

۲. مبانی نظری

سود به‌عنوان معیاری از عملکرد شرکت‌ها توسط بسیاری از استفاده‌کنندگان مورد استفاده قرار می‌گیرد (دیچو، ۱۹۹۴). با توجه به اینکه میان تهیه‌کنندگان اطلاعات و سرمایه‌گذاران تضاد منافع وجود دارد و همچنین به علت استفاده از برآورد در محاسبه سود، استفاده از سود به‌عنوان معیار تصمیم‌گیری مورد تهدید قرار است (خواجوی و قدیریان آرانی، ۱۳۹۴). به‌منظور رویارویی با این تهدید، مفهوم کیفیت سود معنا می‌یابد. درک کیفیت سود نقش مهمی را در فرآیند تحلیل مالی بازی می‌کند. سودهای باکیفیت بالا به تحلیل‌گران مالی در تحلیل سه بخش اساسی از اطلاعات شامل عملکرد کنونی شرکت، عملکرد آینده و ارزش شرکت کمک می‌کند (دچو و اسپرند ۲۰۰۴). در ادامه به توضیح مختصری از کمیته حسابرسی و کنترل‌های داخلی و توجیه روابط آن‌ها باکیفیت سود پرداخته خواهد شد.

به دنبال رسوایی‌های مالی در اوایل قرن بیست و یکم و تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه، توجه قانون‌گذاران و صاحب‌نظران به سمت نظام راهبری شرکتی و کیفیت افشای اطلاعات توسط شرکت‌های سهامی معطوف گردید. به‌منظور بازگشت اطمینان عموم نسبت به افشای گزارش‌های مالی و تسهیل تحقق رسالت اصلی شرکت‌های سهامی عام یعنی ایجاد ارزش برای سهامداران، کیفیت نظام راهبری شرکتی و طراحی مکانیزم‌های اثربخش و کارایی آن مورد توجه قرار گرفت. به عبارت دیگر، راهبری شرکتی اثربخش باعث حصول اطمینان از پاسخگویی شرکتی می‌شود، قابلیت اطمینان و کیفیت اطلاعات مالی عمومی اعم از کیفیت سود ابرازی و کیفیت گزارشگری را افزایش می‌دهد، سلامت و کارایی بازارهای سرمایه را می‌افزاید و بنابراین اعتماد سهامداران را جلب می‌کند و باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود. از طرفی دیگر اما راهبری شرکتی ضعیف می‌تواند به اثرات منفی بر ظرفیت‌های شرکت، عملکرد و پاسخگویی آن منجر شود و باعث ایجاد مشکلات مالی و حتی بروز تقلب

گردد (رحمان و علی، ۲۰۰۹). به موازات اهمیت روزافزون موضوع راهبری شرکتی و ارتقای کیفیت آن در سراسر شرکت‌های سهامی عام، استقرار واحد حسابرسی داخلی به‌عنوان سازوکار داخلی آن که دارای تاریخچه‌ای چندین ساله است و کمیته حسابرسی، مورد توجه فراوان قرار گرفته است. لازم به توضیح است که کمیته حسابرسی یکی از کمیته‌های هیئت مدیره است که اعضای آن باید بین ۳ تا ۵ نفر و گاهی ۷ نفر از اعضای غیرموظف هیئت مدیره می‌باشد. به‌صورت کلی کمیته حسابرسی، به‌منظور محافظت از منافع سهامداران، وظیفه نظارت بر گزارشگری مالی را عهده دارد، به عبارت دیگر رسالت اصلی کمیته حسابرسی جلوگیری از ارائه صورت‌های مالی گمراه‌کننده می‌باشد (کانگ، ۲۰۱۹). همچنین طبق دستورالعمل کنترل‌های داخلی مصوب شده در ایران، کمیته حسابرسی شرکت را در دستیابی به اهداف گزارشگری مالی قابل‌اتکا یاری می‌نماید؛ بنابراین انتظار می‌رود کمیته حسابرسی، نقش بسزا و غیرقابل‌انکاری در فرآیند بهبود کیفیت گزارشگری مالی ایفا نماید. به‌عنوان مثال و با عنایت به پژوهش انجام‌شده توسط مک مولن (۱۹۹۰)، رابطه وجود کمیته حسابرسی با قابلیت اعتماد گزارشگری مالی را بررسی نمود. نتایج این پژوهش نشان داد وجود کمیته حسابرسی موجب کاهش شکایت‌های قانونی علیه حسابرسان، کاهش اعمال غیرقانونی و تقلب توسط مدیران و افزایش قابلیت اعتماد گزارشگری مالی می‌شود؛ بنابراین وجود کمیته حسابرسی موجب کاهش بروز خطا، بی‌نظمی و کارهای غیرقانونی می‌شود.

با توجه به ماده دوم فصل دوم دستورالعمل کنترل‌های داخلی حصول اطمینان معقول از کیفیت گزارشگری مالی از اهداف برقراری سیستم کنترل‌های داخلی می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر انتظار می‌رود پیاده‌سازی کنترل‌های داخلی در شرکت با افزایش کیفیت گزارشگری مالی همراه باشد. همچنین مطابق با دستورالعمل کنترل‌های داخلی هیئت مدیره وظیفه دارد، کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش را به‌منظور دستیابی به اهداف شرکت مستقر نموده و از کارکرد صحیح آن اطمینان حاصل نماید. هیئت مدیره باید برای ایفای این مسئولیت سیستم و فرآیند کنترل‌های داخلی را، دست‌کم سالی یک‌بار بررسی و نتایج آن را طی گزارشی با عنوان «گزارش کنترل‌های داخلی» ارائه و افشا نماید. همین فرآیند نظارت و تکلف هیئت مدیره به گزارشگری در ارتباط با کنترل‌های داخلی، مدیریت را به بهبود فرآیند کنترل‌های داخلی تشویق می‌نماید (هرمانسون، ۲۰۰۰)؛ بنابراین انتظار می‌رود با بهبود کنترل‌های داخلی، اهداف گزارشگری مالی

تحقیق‌یافته و گزارشگری مالی و به تبع آن سود، از کیفیت بالاتری برخوردار گردد. با توجه به موارد بالا انتظار می‌رود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های اعضای آن که در منشور کمیته حسابرسی تعیین شده است و همچنین ارائه گزارش‌های کنترل داخلی ادواری توسط مدیریت واحدهای اقتصادی منجر به گزارشگری مالی و درنهایت سود حسابداری باکیفیت گردد.

۳. پیشینه پژوهش و تدوین فرضیه‌ها و سؤال‌های پژوهش

به‌عنوان نمونه‌ای از پژوهش‌های خارجی صورت گرفته در این حوزه، میکو و کامدین (۲۰۱۵)، به بررسی تأثیر وجود کمیته حسابرسی زیر نظر هیئت‌مدیره و کیفیت خدمات حسابرسی ارائه‌شده بر جلوگیری از مدیریت سود، قبل و بعد از قوانین حاکمیت شرکتی پرداختند. بدین منظور آن‌ها ویژگی‌های کمیته حسابرسی اعم از استقلال، تخصص مالی و اندازه کمیته حسابرسی، تصدی حسابرس و کیفیت موسسه حسابرسی را به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفتند. نتایج آن پژوهش نشان داد که وجود کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی انجام‌شده موجب کاهش مدیریت سود می‌شود. همچنین نتایج پژوهش انجام‌شده توسط طبری و عصابخش (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی پیشگیری می‌کند از نقض کنترل‌های داخلی و تقلب توسط مدیریت، به‌این ترتیب است که وجود این کمیته زیر نظر هیئت‌مدیره موجب ایجاد اطمینان از برقراری سیستم کنترل داخلی مناسب و حفظ و حراست بیشتر از دارایی‌های شرکت می‌شود و با بررسی روابط درون و برون سازمانی موجب کاهش احتمال بی‌نظمی و تقلب می‌شود.

طبق منشور کمیته حسابرسی، این کمیته متشکل از اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره است که به‌طور معمول سه تا پنج نفر است و بیشتر آن‌ها مستقل و دارای تخصص مالی هستند. با توجه به ویژگی‌هایی که در منشور مزبور برای کمیته حسابرسی در نظر گرفته شده است در ادامه به بررسی رابطه بین هر یک از ویژگی‌های کمیته باکیفیت سود پرداخته و سپس فرضیه‌ها و سؤال‌های پژوهش ارائه گردیده است.

ادبیات تئوریک دو دیدگاه درباره نقش اندازه کمیته حسابرسی بر عملکرد شرکت ارائه نموده است که متضاد می‌باشند. در دیدگاه اول فرض شده است که کمیته حسابرسی با تعداد

اعضای کمتر باعث بهبود عملکرد شرکت می‌گردد. چراکه تعداد زیاد اعضا کمیته حسابرسی مشکلات نمایندگی را افزایش می‌دهد، زیرا تعدادی از اعضای کمیته حسابرسی ممکن است منفعتی در پی نداشته باشند (هرمالین و ویسبک، ۲۰۰۳). از طرفی برگزاری جلسات منظم و ایجاد هماهنگی برای یک کمیته حسابرسی با اعضای بیشتر دشوارتر است. بدارد و همکاران (۲۰۰۴) ارتباط بین مدیریت سود و هر سه ویژگی کمیته حسابرسی یعنی استقلال، اندازه و تعداد دفعات جلسات کمیته حسابرسی را قبل از تدوین قانون ساربنز آکسلی سال ۲۰۰۲ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که تعداد جلسات کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی رابطه معناداری دارد و این رابطه معکوس می‌باشد، همچنین نتایج نشان داد تعداد اعضا و استقلال کمیته حسابرسی ارتباطی با سه معیار مدیریت سود واقعی ندارند. یک کمیته حسابرسی خیلی بزرگ توانایی انجام درست وظایف خود را از دست می‌دهد و بیشتر جایگاهی نمادین پیدا می‌کند (هرمالین و ویسبک ۲۰۰۳)؛ بنابراین در دیدگاه دوم، کمیته حسابرسی با تعداد اعضای کمتر، از منافع و نقطه نظرات و پیشنهادهای علمی و تخصصی و متنوع که در کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر وجود دارد، بهره‌مند نمی‌شود.

در نتیجه تصور حالت بهینه‌ای برای اندازه کمیته حسابرسی دشوار است. تعداد بهینه اعضای کمیته حسابرسی باید به نحوی تعیین شود که موجب بهبود عملکرد آن و پاسخگویی بهتر و پویایی هرچه بیشتر شود.

بنابراین سؤال اول پژوهش به شکل زیر تدوین می‌گردد:

سؤال ۱. آیا بین تعداد اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود رابطه معناداری (مثبت یا

منفی) وجود دارد؟

هرچه کمیته حسابرسی بزرگ‌تر باشد و شامل افراد با تخصص‌های مختلف، به صورت موثق‌تری می‌توانند بر شیوه‌های گزارشگری مالی نظارت کنند (وافیس، ۲۰۰۵). فاربر (۲۰۰۵) تعریفی گسترده از تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ارائه کرد که نشان داد وجود کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی احتمال تقلب مالی را کاهش می‌دهد. دفوند و هان در سال ۲۰۰۵ با انجام مطالعات مختلف در بازار سرمایه دریافتند که وجود کمیته حسابرسی با اعضای مستقل و متخصص در زمینه‌های مالی و حسابداری و حسابرسی و همچنین غیرموظف موجب بهبود کیفیت گزارش‌های ارائه‌شده می‌شود. به این مفهوم که اعضای مستقل و

متخصص تأثیر مثبتی بر کیفیت اطلاعات و کیفیت سود دارد. به نظر می‌رسد که داشتن اعضای متخصص در صنعت مربوطه به علاوه داشتن عضو متخصص مالی می‌تواند کمک شایانی به اثربخشی کمیته حسابرسی نماید، زیرا تخصص کمیته حسابرسی در صنعت، به معنای داشتن دانش و اطلاعات مختص آن زمینه است که به درک بهتر عملیات صاحب‌کار کمک کرده و نهایتاً منجر به کاهش ریسک‌های حسابرسی که صاحب‌کار با آن روبرو است، می‌شود (کند، ۲۰۰۸). دالیوال و همکاران (۲۰۱۰) بیان می‌دارند که وجود دست‌کم یک کارشناس مالی در کمیته‌های حسابرسی می‌تواند به‌طور مؤثرتری مدیریت سود تعهدی را نسبت به کمیته‌هایی که اعضای متخصص مالی ندارند کنترل کند. در پژوهش انجام‌شده توسط محققان داخلی نیز توسط طبری و عصابخش (۱۳۸۹) به این نتایج دست یافتند که اعضای کمیته حسابرسی باید دارای تخصص لازم در زمینه مالی و حسابداری باشند، به‌منظور افزایش اثربخشی و کارایی لازم جهت انجام وظائف محوله.

طبق ادبیات پژوهش اکثریت محققان بر تخصص مالی و حسابداری تأکید داشته و پژوهش‌ها کمی تخصص فنی (منظور تخصص مربوط به صنعت مورد رسیدگی) اعضای کمیته حسابرسی را در اثربخشی آن بررسی کرده‌اند. لذا در پژوهش حاضر علاوه بر تخصص مالی تخصص فنی نیز مدنظر می‌باشد و امتیاز بالاتر مربوط به کمیته‌هایی است که علاوه بر تخصص مالی از تخصص فنی مربوط به زمینه کاری و رشته‌های مرتبط دیگر نیز برخوردار باشد؛ بنابراین و با توجه به مبانی نظری و پیشینه پیش‌گفته، فرضیه اول پژوهش به شکل زیر مطرح می‌شود:

فرضیه ۱. بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی (تخصص مالی و فنی) و کیفیت سود

رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های کارسلو و نیل (۲۰۰۳) حاکی از آن است که میان استقلال اعضای کمیته حسابرسی و اطلاعات افشاشده طی گزارش‌های مالی در شرکت‌هایی که دچار بحران مالی بوده‌اند، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ابوت و همکاران (۲۰۰۴)، عنوان می‌نمایند در صورتی که کمیته حسابرسی شرکت‌ها مستقل باشد، احتمال تجدید ارائه سود در آن شرکت‌ها کمتر است. نورمن و همکاران (۲۰۰۶)، نیز در پژوهش خود دریافتند رویه‌های مدیریت سود باوجود یک کمیته کاملاً مستقل، کاهش می‌یابد.

این در حالی است که در بسیاری از موارد میان استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت سود ارائه‌شده رابطه معناداری یافت نشده است و یا منوط به مستقل بودن تمامی اعضا شده است. رینس بری و همکاران (۲۰۰۹)، رابطه میان کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت کمیته حسابرسی را بررسی نمودند اما نتایج پژوهش آن‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار میان استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی نبود. کنت و همکاران (۲۰۱۰)، نیز طی پژوهش‌های خود به شواهدی مبنی بر وجود رابطه مثبت میان استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت ارقام تعهدی دست نیافتند. کامارودین و همکاران (۲۰۱۲)، نیز به وجود رابطه مثبتی میان استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت سود دست نیافتند. ولی بر اساس یافته‌های پژوهش انجام شده توسط هانگ (۲۰۱۹) استقلال بیشتر اعضای کمیته حسابرسی به بهبود نظارت بر عملکرد مدیران، کاهش ریسک سامانمند و افزایش قابلیت اتکای گزارش‌های مالی شرکت‌های تایوانی منجر خواهد شد.

همان‌طور که از ادبیات پژوهش مرتبط با استقلال اعضای کمیته حسابرسی برمی‌آید هیچ‌گونه اجماع نظری در خصوص اینکه استقلال اعضا باعث اثربخشی بیشتر کمیته حسابرسی و در نتیجه کیفیت سود بالاتر می‌شود یافت نشده است.

بنابراین سؤال دوم پژوهش به شکل زیر تدوین می‌گردد:

سؤال ۲. آیا بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود رابطه معناداری (مثبت

یا منفی) وجود دارد؟

همان‌طور که عنوان شد، دستورالعمل کنترل‌های داخلی به‌منظور پیاده‌سازی ساختار کنترل‌های داخلی به جهت افزایش کیفیت گزارشگری مالی و اطلاعات افشا به تصویب رسیده است. از جنبه‌های مهم آن، ملزم ساختن شرکت‌ها به ارائه گزارش‌های کنترل داخلی است که این امکان را به سرمایه‌گذاران می‌دهد، از کیفیت سیستم کنترل داخلی شرکت آگاه شوند، و شرکت‌هایی که به این دستورالعمل پایبند هستند قاعداً نقاط ضعف خود را افشا نموده و درصدی برطرف سازی آن گام برمی‌دارند. لیکن این موضوع مستلزم سرمایه‌گذاری در کنترل‌های داخلی است و انتظار می‌رود شرکت‌هایی که از ساختار راهبردی شرکتی مناسبی برخوردار نیستند، بیشتر دچار ضعف در ساختار کنترل‌های داخلی گردند (چن و همکاران، ۲۰۱۹). بار دیگر عنوان می‌گردد که نتایج بررسی‌های هرامنسون (۲۰۰۰) حاکی از آن است که

گزارشگری کنترل داخلی، خود موجب تشویق مدیران جهت بهبود کنترل‌های داخلی می‌شود و فرآیند نظارتی کمیته‌های حسابرسی را ارتقا دهد؛ بنابراین با توجه به مقدمه بیان شده فرضیه دوم پژوهش به شکل زیر مطرح می‌شود:

فرضیه ۲. بین ارائه گزارش‌های کنترل داخلی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

۴-۱. مدل پژوهش

با عنایت به مبانی نظری و پیشینه ادبیات پیش گفته مدل اصلی پژوهش به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$EQRVC = \beta_0 + \beta_1 ACSize_{it} + \beta_2 ACIndep_{it} + \beta_3 ACExpert_{it} + \beta_4 ACRepo_{it} + \beta_5 Big_{it} + \beta_7 Size_{it} + \beta_8 FinLev_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$EQRVC_{it}$: کیفیت سود از طریق مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) - متغیر وابسته،

$ACSize_{it}$: تعداد اعضای کمیته حسابرسی - متغیر مستقل،

$ACIndep_{it}$: استقلال کمیته حسابرسی - متغیر مستقل،

$ACExpert_{it}$: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی - متغیر مستقل،

$ACREPO_{it}$: ارائه گزارش کنترل‌های داخلی - متغیر مستقل،

Big_{it} : اندازه موسسه حسابرسی امتیاز مؤسسات حسابرسی با امتیاز کنترل کیفی الف عدد

۱ می‌باشد و در غیر این صورت عدد صفر - متغیر کنترل،

$Size_{it}$: اندازه‌ی شرکت، لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها - متغیر کنترل،

$FinLev_{it}$: نسبت اهرم مالی، حاصل تقسیم کل بدهی‌ها به دارایی‌ها - متغیر کنترل.

ε : خطای برآورد.

۴-۲. متغیرهای پژوهش

۴-۲-۱. کیفیت سود - متغیر وابسته

تعاریف مختلفی از کیفیت سود عنوان شده است، اما آنچه در این پژوهش از کیفیت سود مورد نظر است مطابق نظر چان (۲۰۰۱) است که این مفهوم را بدین صورت تعریف کرده است: «رابطه بین جریان‌های نقدی و سود حسابداری منعکس کننده کیفیت سود است». بنابراین هر چه سود محاسبه شده به جریان‌های نقدی ناشی از عملیات نزدیک‌تر باشد ارقام تعهدی آن کمتر و در نتیجه کیفیت سود بالاتر خواهد بود. به این منظور از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) برای اندازه‌گیری کیفیت سود استفاده شده است.

مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) همچون مدل دچو و دیچو (۲۰۰۲) به ارقام تعهدی جاری محدود نمی‌باشد به علاوه اینکه از متغیرهای بنیادی مدل جونز (اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و تغییر درآمد)، نیز بهره گرفته است؛ بنابراین از این مدل که گمان می‌رود روشی مناسب برای اندازه‌گیری کیفیت سود از طریق ارقام تعهدی می‌باشد، استفاده شده است (مشایخ و اسماعیلی، ۱۳۸۵).

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{it-1} + \alpha_2 CFO_{it} + \alpha_3 CFO_{it+1} + \alpha_4 \Delta REV_{it} + \alpha_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

Acc: کل ارقام تعهدی (کل سود عملیاتی به کسر جریان نقدی عملیاتی)،

CFO: جریان نقد عملیاتی،

ΔREV : تغییر در درآمدهای عملیاتی،

PPE: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات.

تمامی متغیرهای توضیحی و متغیر وابسته مدل فوق، با استفاده از مجموع دارایی‌ها همگن گردیده است. به عبارت دیگر تمامی این متغیرها تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره شده و سپس مدل برآورد گردید. پس از برآورد مدل، باقیمانده‌های آن (اجزاء خطا) به‌عنوان متغیر وابسته وارد مدل اصلی پژوهش می‌شود.

۲-۴. تخصص، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی و ارائه گزارش‌های کنترل داخلی

- متغیرهای مستقل

• تخصص اعضای کمیته حسابرسی: مطابق ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی تعداد اعضای کمیته حسابرسی باید متشکل از سه تا پنج نفر باشد و همچنین اکثریت آن‌ها باید مستقل بوده و دارای تخصص مالی باشند؛ اما در پژوهش حاضر علاوه بر تخصص مالی، تخصص فنی (منظور مربوط بودن به صنعت مورد فعالیت) نیز مدنظر می‌باشد؛ بنابراین تخصص اعضا کمیته برابر با تعداد اعضای متخصص در زمینه صنعت مربوطه و مالی بر تعداد کل اعضای کمیته می‌باشد.

• اندازه کمیته حسابرسی: این متغیر از طریق تعداد اعضای کمیته حسابرسی که توسط هیئت‌مدیره انتخاب شده، اندازه گیری می‌گردد.

• استقلال اعضای کمیته: مطابق ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی اعضای کمیته حسابرسی باید متشکل از سه تا پنج نفر باشد و همچنین اکثریت آن‌ها باید مستقل بوده و دارای تخصص مالی باشند؛ بنابراین این متغیر برابر است با تعداد اعضای مستقل کمیته بر تعداد کل اعضای کمیته که به این منظور از جداول افشا شده توسط شرکت‌ها در رابطه با کمیته حسابرسی استفاده شده‌است.

• ارائه گزارش کنترل‌های داخلی: مطابق دستورالعمل کنترل‌های داخلی سازمان بورس هیئت‌مدیره باید در گام اول نسبت به استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش اطمینان حاصل کند و سپس در گام دوم بررسی کند که آیا وجود این کنترل‌ها شرکت را در دستیابی به اهدافش یاری رسانده است یا خیر. برای ایفای این مسئولیت، هیئت‌مدیره شرکت باید سیستم کنترل‌های داخلی را با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی منتشره توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، حداقل سالی یک‌بار بررسی و نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان گزارش کنترل‌های داخلی درج کنند؛ بنابراین در صورتی که شرکتی گزارش کنترل داخلی ارائه دهد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود...

۳-۲-۴. متغیرهای کنترلی

بر اساس ادبیات و پیشینه پژوهش، مدل پژوهش شامل سه متغیر کنترلی می‌باشد که

عبارت‌اند از اندازه شرکت، اهرم مالی و اندازه (نوع) موسسه حسابرسی. اندازه شرکت بر اقلام تعهدی اختیاری تأثیرگذار است، لیکن جهت رابطه در پیشینه ادبیات، اجماع نظر وجود ندارد. از طرفی گو و همکاران (۲۰۰۵) مابین اقلام تعهدی اختیاری و اندازه شرکت رابطه منفی معناداری یافته‌اند و از طرفی دیگر آینی و همکاران در سال ۲۰۰۶ ادعا کرده‌اند که هر چه اندازه شرکت بزرگ‌تر باشد، احتمال اینکه شرکت از اقلام تعهدی حسابداری که کاهنده سود خالص است استفاده کند تا دچار هزینه‌های سیاسی نشود بهتر است و همچنین، همدان و موشتاهان (۲۰۱۱) اظهار داشتند شرکت‌های بزرگ گزارشگری مالی باکیفیت‌تری دارند. مطابق با یافته‌های جنسن (۱۹۸۶) هرچه شرکت اهرمی‌تر باشد و هزینه بهره بالاتری پرداخت نماید، احتمال اینکه شرکت مدیریت سود نماید و درگیر فعالیت‌های آن شود، بیشتر است.

مطابق پژوهش دی آنجلو (۱۹۸۱) شرکت‌های بزرگ حسابرسی، نسبت به مؤسسات حسابرسی دیگر، می‌توانند خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه کنند. چنین چیزی به آن‌ها صلاحیت و اقتدار کافی برای نظارت بر رفتار اداری و همکاری در جلوگیری از انحرافات در صورت‌های مالی را می‌دهد و باعث افزایش کیفیت سود شرکت‌ها می‌شود. همچنین طبق پژوهش‌های انجام‌شده تویپت بکر و همکاران (۱۹۹۸) هر چه اندازه موسسه حسابرسی بزرگ‌تر باشد توانایی شرکت برای مدیریت سود را محدود کرده و کیفیت حسابرسی نیز افزایش خواهد یافت.

۳-۴. نمونه و دوره زمانی پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌هایی هستند که در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند.

در پژوهش حاضر با اعمال محدودیت‌های زیر بر جامعه آماری، شرکت‌های باقی‌مانده به تعداد ۱۵۹ شرکت و ۷۹۵ شرکت سال، موردبررسی قرار گرفته‌اند:

- از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته‌اند،
- شرکت‌ها جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و ... نبوده‌اند؛ زیرا این شرکت‌ها مشمول قوانین و مقررات خاصی هستند که مقایسه

آن‌ها را با سایر شرکت‌ها مشکل می‌کند.

- سال مالی آن‌ها آخرین روز اسفند باشد و طی دوره پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند،
- اطلاعات مورد نیاز شرکت در دسترس باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی

در نگاره شماره ۱، اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای اصلی به صورت خلاصه ارائه شده است.

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	تعداد اعضای کمیته حسابرسی	استقلال اعضای کمیته حسابرسی	تخصص مالی و فنی اعضای کمیته حسابرسی	ارائه گزارش کنترل داخلی	اندازه موسسه حسابرسی	لگاریتم طبیعی اندازه شرکت	نسبت اهرم مالی
میانگین	۲/۳۸	۰/۵۷	۰/۴۴	۰/۶۹	۰/۸۳	۱۴/۴۵	۰/۵۷
میانه	۳/۰۰	۰/۶۷	۰/۳۳	۱/۰۰	۱/۰۰	۱۴/۱۳	۰/۵۸
حداکثر	۵/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱۹/۱۱	۱/۵۸
حداقل	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰/۶۶	۰/۰۱
انحراف معیار	۱/۴۳	۰/۴	۰/۲۹	۰/۴۶	۰/۳۷	۱/۵۴	۰/۲۳

از نگاره فوق می‌توان دریافت که تعداد اعضای کمیته حسابرسی حداقل صفر و حداکثر پنج نفر می‌باشد. میانه این متغیر سه نفر می‌باشد که در مقایسه با میانگین نشان می‌دهد توزیع این متغیر چوله به راست دارد. استقلال کمیته حسابرسی نیز به صورت متوسط در مورد ۵۷ درصد از اعضا در شرکت‌های نمونه صدق می‌کند که در استقلال حداکثر برابر با یک است. به عبارتی دیگر در بعضی از شرکت‌ها، تمام اعضای کمیته حسابرسی هیچ‌گونه وابستگی به شرکت ندارد.

تخصص مالی و فنی اعضای کمیته حسابرسی به صورت میانگین ۴۳ درصد است. به عبارتی دیگر به صورت میانگین ۴۳ درصد از هر کمیته حسابرسی عضو متخصص در امر مالی و امور فنی مربوط به فعالیت اصلی شرکت دارد. در مقام مقایسه میانگین و میانه نیز می‌توان عنوان کرد بیشتر شرکت‌های نمونه اعضای متخصصشان کمتر از میانگین می‌باشد و پراکندگی داده‌ها قبل از میانگین بیشتر است. حدود ۷۰ درصد از شرکت‌های نمونه گزارش کنترل‌های داخلی را برای بازه زمانی پژوهش (۱۳۹۱-۱۳۹۵) ارائه نموده و در سامانه اطلاع‌رسانی بورس و اوراق بهادار افشا کرده‌اند و با مقایسه میانگین و میانه نیز می‌توان این گونه استنباط کرد توزیع این متغیر چوله به چپ دارد و تمرکز داده‌ها بعد از میانگین است و تعداد شرکت‌هایی که گزارش را ارائه نموده‌اند بیشتر بوده است.

اهرم مالی شرکت نیز به صورت میانگین $0/5$ می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که به صورت میانگین نیمی از دارایی‌های شرکت از محل بدهی‌ها برای شرکت‌های نمونه تشکیل شده است و این رقم حداکثر به $1/5$ می‌رسد و نشان می‌دهد بدهی‌های شرکتی، یک و نیم برابر دارایی‌های آن می‌باشد و مجموع حقوق صاحبان سهام این شرکت منفی است.

۲-۵. تعیین روش برآورد مدل‌ها

با توجه به نتایج آزمون‌های F لیمر و هاسمن انجام شده، روش برآورد مدل اول و دوم با توجه به سطح معناداری به دست آمده از آماره‌های آزمون، روش تابلویی می‌باشد. با توجه به آماره خی دو و سطح معناداری برای هر یک از مدل‌ها، مدل اول با استفاده از روش اثرات تصادفی و مدل دوم با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شده است. نتایج حاصل از آزمون هم-خطی بین متغیرهای توضیحی در ادامه ارائه می‌شود و سپس به بررسی سایر مفروضات کلاسیک پرداخته خواهد شد.

۳-۵. آزمون هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی

از آزمون VIF جهت بررسی هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی استفاده شده است. با عنایت به نتایج حاصل از آزمون مذکور، میان متغیرهای توضیحی مدل پژوهش، هم‌خطی وجود نداشته است.

۴-۵. نتایج حاصل از آزمون سؤالات و فرضیه‌های پژوهش

نتایج حاصل از بررسی مدل اول در نگاره ۲ به صورت زیر ارائه شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل ذیل برای به دست آوردن شاخص کیفیت سود برآورد می‌شود. بر اساس نتایج آزمون وابست، مقدار معنی‌داری آماره F کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان‌دهنده عدم رد ناهمسانی واریانس است. به منظور برطرف ساختن ناهمسانی واریانس در این پژوهش از روش تخمین EGLS استفاده شده است.

نگاره ۲: نتایج حاصل از برآورد مدل اول

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۰۸۸۷۶۴	۸/۳۱	۰/۰۰
جریان‌های نقدی عملیاتی سال گذشته	۴/۰۱E-۰۹	۱/۰۲	۰/۳۱
جریان‌های نقدی عملیاتی	-۸/۷۰E-۰۹	-۲/۱۱	۰/۰۴
جریان‌های نقدی عملیاتی سال آینده	۵/۴۱E-۰۹	۱/۹۷	۰/۰۵
ناخالص اموال ماشین‌آلات و تجهیزات	-۰/۲۴۰۵۲۲	۲/۰۵	۰/۰۰
تغییرات در درآمدهای عملیاتی	۸/۸۴E-۰۹	-۷/۰۴	۰/۰۴
آماره F	۱۱/۸۰	سطح معناداری	۰/۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۱/۷۶	آماره DW	۰/۰۷۹

با توجه به نگاره ارائه شده در نگاره ۲ و با توجه به آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، معناداری کل مدل تأیید می‌گردد. ضریب تعیین نیز که در بالا ارائه شده است (۰/۰۷۹) نشان می‌دهد که ۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (کل ارقام تعهدی) به واسطه متغیرهای توضیحی، تبیین می‌شوند. نظر به نتایج ارائه شده در بالا و آماره t مربوط به ضرایب، معناداری ضریب متغیرهای جریان‌های نقدی عملیاتی، جریان‌های نقدی عملیاتی سال بعد، ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و تغییر درآمدهای عملیاتی در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌شود. لازم به توضیح است رابطه معناداری مابین جریان‌های نقدی عملیاتی سال قبل و کل ارقام تعهدی وجود ندارد.

در خودهمبستگی لازم به ذکر است با توجه به آماره دوربین واتسن (۱/۷۶) و بازه مجاز برای این آماره (۱/۷۲۵ - ۲/۲۷۵) برقرار است و مدل فاقد خودهمبستگی می‌باشد. حال در ادامه نتایج حاصل از برآورد مدل دوم پژوهش ارائه شده است. بار دیگر شایان ذکر است باقیمانده‌ها (اجزاء خطا) مدل اول به‌عنوان متغیر وابسته در مدل دوم (شاخص کیفیت سود) وارد شده است.

نگاره ۳: نتایج حاصل از برآورد مدل دوم

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۳۴۱	۳/۰۹	۰/۰۰
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	-۰/۰۲۲	-۲/۹۹	۰/۰۰
ارائه گزارش کنترل داخلی	-۰/۰۱۳	-۳/۴۷	۰/۰۰
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	۰/۰۰۲	۰/۷۳	۰/۴۷
تخصص مالی و فنی اعضای کمیته حسابرسی	-۰/۰۴۷	-۳/۱۳	۰/۰۰
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۰۰۴	-۱/۱۳	۰/۲۵
نسبت اهرم مالی	۰/۰۶۳	۳/۳۳	۰/۰۰
لگاریتم طبیعی اندازه شرکت	-۰/۰۱۷	-۲/۳۰	۰/۰۲
آماره F	۶/۳۷	سطح معناداری	۰/۰۰
ضریب تعیین شده	۲/۵۴	آماره DW	۰/۵۸۸

با توجه به آماره F ارائه‌شده در نگاره بالا و سطح معناداری مربوط به این آماره، معنادار بودن کل مدل تأیید می‌گردد. ضریب تعیین مدل نیز همان‌طور که مشاهده می‌شود (۰/۵۸۸) است که نشان می‌دهد ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (کیفیت سود) به‌واسطه متغیرهای توضیحی، تبیین می‌شوند. نظر به نتایج ارائه‌شده در بالا و آماره t مربوط به ضرایب، معناداری ضریب متغیرهای استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی، ارائه گزارش کنترل‌های داخلی، اندازه شرکت و اهرم عملیاتی در سطح معناداری ۹۵ درصد تأیید می‌شود. لازم به توضیح است در سطح خطای ۵ درصد رابطه معناداری مابین اندازه کمیته حسابرسی و

اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت سود وجود ندارد.

با توجه به آزمون وایت و آماره مربوطه به دلیل وجود واریانس ناهمسانی، مدل به صورت EGLS برآورد شده است. فرض سوم کلاسیک رگرسیون نیز با توجه به آماره دوربین واتسن (۲/۵۴) و بازه مجاز برای این آماره (۱/۷۲۵ - ۲/۲۷۵) برقرار نیست ولی این آماره با افزودن AR به سمت راست معادله (به عبارتی دیگر پویا نمودن مدل) بهبود یافت.

یا عنایت به یافته‌های فوق‌الذکر رابطه منفی معناداری بین استقلال و تخصص کمیته حسابرسی و ارائه گزارش کنترل‌های داخلی با شاخص کیفیت سود وجود دارد. این شاخص گونه‌ای است که هر چه کمتر باشد سود از کیفیت بالاتری برخوردار است. فلذا با استقلال بیشتر کمیته حسابرسی، تخصص بیشتر اعضا و همچنین با ارائه گزارش کنترل‌های داخلی کیفیت سود افزایش خواهد یافت و بالعکس. همچنین با بزرگ‌تر شدن اندازه شرکت نیز کیفیت سود افزایش می‌یابد، لیکن هرچه شرکت اهرمی‌تر باشد (در ساختار سرمایه خود وزن بیشتری از بدهی وجود داشته باشد)، کیفیت سود نیز پایین‌تر است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در مورد سؤال اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین تعداد اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود، لازم به ذکر است رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد میان این دو متغیر وجود ندارد. در ادبیات موضوع نیز هیچ‌گونه اتفاق نظری در مورد اندازه بهینه کمیته حسابرسی وجود ندارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش بدارد و همکاران (۲۰۰۴) منطبق هست که بیان می‌دارد میان تعداد اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه اول پژوهش که مبین وجود رابطه‌ی مثبت و معنادار بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی (تخصص مالی و فنی) و کیفیت سود می‌باشد، در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌شود. نتایج ارائه‌شده با نتایج پژوهش‌هایی که دالیوال و همکاران (۲۰۱۰) و سایر پژوهش‌های اشاره‌شده در پیشینه پژوهش مربوط به تخصص اعضا کمیته حسابرسی، منطبق است.

سؤال دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه معناداری (مثبت یا منفی) بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت سود بود که با توجه به نتایج پژوهش، رابطه مثبت و معنی‌داری بین

استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت سود وجود دارد که با افزایش استقلال، کیفیت سود افزایش می‌یابد و بالعکس؛ که نتیجه پژوهش منطبق با نتایج پژوهش گارون (۲۰۰۹) می‌باشد. فرضیه دوم پژوهش نیز «ارائه گزارش‌های کنترل داخلی بر اثربخشی کنترل‌های داخلی مؤثر بوده بنابراین بر کیفیت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد» می‌باشد که با عنایت به یافته‌های پژوهش تأیید گردید. نتیجه حاصل از آزمون سؤال دوم پژوهش نشان می‌دهد، ارائه گزارش کنترل‌های داخلی بر کیفیت سود شرکت‌ها مؤثر است به این ترتیب که ارائه این گزارش موجب می‌شود توجه مدیران به سیستم کنترل‌های داخلی افزایش یابد و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را شناسایی کنند و درصدد بهبود نقاط ضعف برآیند. چراکه نتایج کنترل‌های داخلی و نحوه عمل آن‌ها و نتایج حاصله می‌بایست گزارش شود، بنابراین با بهبود کنترل‌های داخلی و برطرف کردن نقاط ضعف به دنبال گزارشگری بهتر کنترل‌های داخلی می‌باشند و به این ترتیب موجب ارتقا و بهبود کنترل‌های داخلی شده و نتایج موردنظر کنترل‌های داخلی که همان بهبود گزارشگری مالی و افزایش کیفیت سود شرکت‌ها می‌باشد محقق می‌گردد. پژوهش حاضر مطابق نظر مک مولن و همکاران (۱۹۹۰) می‌باشد که عنوان می‌نماید به دو دلیل ارائه گزارش‌های کنترل داخلی نقش انگیزشی داشته و موجب عملکرد بهتر می‌شود، گزارشگری کنترل داخلی می‌تواند آگاهی مدیریت عالی به سیستم کنترل داخلی شرکت افزایش دهد که به نوبه خود موجب جلب توجه بیشتر مدیریت عالی به سیستم کنترل داخلی به صورت کلی می‌شود. مطابق نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول و سؤال دوم پژوهش، آنچه موجب عملکرد بهتر کمیته حسابرسی می‌شود تا در نهایت سود با کیفیت تر و صورت‌های مالی قابل اتکاتر باشد، استقلال و تخصص فنی اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. به این مفهوم که کمیته‌های حسابرسی علاوه بر اعضای مالی نیاز به اعضای متخصص در صنعت مربوطه نیز می‌باشد تا به این ترتیب موجب اثربخش تر شدن فعالیت‌های کمیته حسابرسی شود، چراکه متخصصین صنعت مربوط شناخت بهتری از فرآیندها و سایر عوامل مربوطه و خاص آن صنعت دارند و حضور آن‌ها کنار متخصصین مالی در کمیته حسابرسی باعث عملکرد بهتر می‌شود. از طرفی با افزایش استقلال اعضای کمیته حسابرسی، اعضای کمیته حسابرسی به عنوان نماینده‌های بهتری از سهامدارانی که منافعشان همسو با منافع مدیران شرکت نیست، مطرح می‌شوند و بهتر می‌توانند وظایف و مسئولیت‌های خود را انجام دهند، در این صورت هزینه‌های نمایندگی

و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد و کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی به نحو مطلوب‌تری عمل می‌نماید و گزارشگری مالی قابل‌اتکاتر و سود باکیفیت‌تر خواهد شد.

با توجه به اینکه مطالب موردبررسی در این پژوهش در ایران مطالبی نوظهور بوده است و شرکت‌ها از سال ۱۳۹۱ ملزم به تشکیل کمیته حسابرسی و ارائه گزارش کنترل داخلی شده‌اند، با گذر زمان موضوعات و مسئله‌های بیشتری روشن خواهد شد که نیازمند بررسی و مطالعات بیشتر است. با توجه به اینکه شرکت‌ها از سال ۱۳۹۱ ملزم به تشکیل کمیته حسابرسی شده‌اند تاکنون بسیاری از شرکت‌ها اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی ننموده‌اند و با توجه به نتایج پژوهش که حاکی از اثربخشی کمیته حسابرسی و ارائه گزارش‌های کنترل داخلی است، بهتر است نظارت بهتر و بیشتری جهت استقرار و به‌کارگیری کمیته حسابرسی و همچنین ارائه گزارش‌های کنترل داخلی صورت پذیرد تا هم شرکت‌ها و هم سهامداران و مالکان حقیقی شرکت‌ها بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. راهبری شرکتی، روزه‌روز از اهمیت بیشتری نزد فعالان بازار برخوردار می‌گردد و انتظار می‌رود که نتایج حاصل از پژوهش سهمی در نگرش به این مقوله اخیراً مهم ایفا کرده باشد.

۷. محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

در پژوهش حاضر به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جداول افشاشده سازمان بورس (کدال) استفاده شده است. در برخی موارد تاریخ افشا و تاریخ تشکیل کمیته حسابرسی یکسان نبوده است، بنابراین ویژگی‌های مربوط به اولین سال افشا به سال‌های قبل نیز تسری یافته است.

در پژوهش‌های آتی می‌توان دستورالعمل کنترل‌های داخلی را یک به‌عنوان یک رویداد تلقی کرد و با استفاده از دو گروه شرکت انتخاب (شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۹۱ اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی داده‌اند و همان شرکت‌ها را با سال‌های قبل از زمان تشکیل کمیته حسابرسی) مقایسه نمود. این مقایسه می‌تواند باهدف بررسی تأثیر وجود یا عدم وجود کمیته حسابرسی (صرف‌نظر از ویژگی‌های اعضا آن) بر کیفیت سود انجام گردد. همچنین می‌توان از رویداد دستورالعمل کنترل‌های داخلی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار تهران بهره‌های

دیگری نیز گرفت، به‌عنوان مثال کنترل‌های داخلی باید در برگیرنده سیاست‌ها، رویه‌ها، وظایف و سایر فعالیت‌هایی باشد که کمک کند از کیفیت گزارشگری مالی اطمینان حاصل نماییم. این امر مستلزم به‌کارگیری فرایندها و نگهداری مستندات مناسب جهت انتقال اطلاعات قابل‌اتکا، مربوط و به‌موقع می‌باشد. حال می‌تواند این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد که کیفیت گزارشگری مالی به‌واسطه دستورالعمل کنترل‌های داخلی قبل و بعد از آن بهبود یافته است، یا خیر.

منابع

الف. فارسی

- خواجوی، شکرالله و قدیریان آرانی، محمدحسین (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر کیفیت سود بر تجدید ارائه صوت‌های مالی، *پیشرفت‌های حسابداری*، ۷ (۲)، ۵۹-۸۴.
- فخاری، حسین و فقیه، محسن (۱۳۹۶)، مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی سازوکارهای راهبری شرکتی بر ارتباط بین مدیریت سود و قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پیشرفت‌های حسابداری*، ۹ (۱۰)، ۱۲۵-۱۶۷.
- محمدزاده سالطه، حیدر و بادآورنهدی، یونس و اسماعیل‌نژاد، مجید (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر نظام راهبری شرکت بر ارزش شرکت با تأکید بر کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۱)، ۱۴۲-۱۲۵.
- مرادی، محمد و حسین‌زاده، سهراب (۱۳۹۶)، نقش راهبری شرکتی در ورشکستگی شرکت‌ها: قبل و بعد از دستورالعمل کنترل‌های داخلی، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۹ (۳)، ۹۰-۶۷.

ب. انگلیسی

- Aini, A., Takiah, M. I., Pourjalali, H. & Teruya, J. (2006). Earnings management in Malaysia: A study on effects of accounting choices. *Malaysian Accounting Review*, 5(1), 185-207.
- Becker, C. L., Defond, M. L., Jiambalvo, J. & Subramanyam, K. R. (1998). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary*

- Accounting Research*, 15(1), 1-24.
- Benjamin, E. H. & Michael, S. W. (2003). Boards of directors as an endogenously determined institution: A survey of the economic literature, *Economic Policy Review*, 16(5), 7-26.
- Carcello, J. and Neal, T. (2003). Audit committee characteristics and auditor dismissals following 'new' going-concern reports, *The Accounting Review*, 78(1), 95-117.
- Chen, Ch., Li, T., Shao, R. & Zheng, S. (2019). Dynamics of deterioration in internal control reported under SOX 404, *International Review of Economics & Finance*, 61(1), 228-240.
- De Angelo, L. (1986). Accounting number as market valuation substitute, *The Accounting Review*, 61(3), 400-420.
- Dechow, P. & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors, *The Accounting Review*, 77(2)5, 35-59.
- Defond, M. L., Hann, R. N. & Hu, X. (2005). Does the market value financial expertise on audit committees of boards of directors? *Journal of Accounting Research*, 43(2), 153-193.
- Dhaliwal, D., Naiker, V. & Navissi, F. (2010). The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees. *Contemporary Accounting Research*, 27(3), 787-827.
- Fakhari, H. & Faghieh, M. (2017). A study of moderating effect of corporate governance on the relationship between earning management and earning predictability in TSE. *Journal of Accounting Advances*, 9(1), 125-169. (In Persian)
- Farber, D. (2005). Restoring trust after fraud: Does corporate governance matter? *The Accounting Review*, 80(2), 539-561.
- Francis, J., R. LaFond, P., Olsson & K., Schipper. (2005). Costs of equity and earnings attributes. *The Accounting Review*, 79(4), 967-1010.
- Garven, S. A. (2015). The effect of board and audit committee characteristics on real earnings management: Do boards and audit committees play a role in its constraint? *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 19, 1-15.

- Gu, Z., Lee, C. W. J. & Rosett, J. G. (2005). What determines the variability of accounting accruals? *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 24, 313-334.
- Hamdan, A. & Mushtaha, S. (2011). The relationship between audit committee characteristics and type of auditor's report: An empirical study on the public shareholding industrial companies listed at amman bourse. *The Arab Journal of Accounting*, 14, 109-163.
- Heather, M. Hermanson. (2000). An analysis of the demand for reporting on internal control. *Accounting Horizons*, 14(3), 325-341.
- Huang, H. (2019). Audit committees and systematic risk: Evidence from Taiwan's regulatory change, *The North American Journal of Economics and Finance*, 47, 477-491.
- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance and takeovers. *American Economics Review*, 76(2), 323-329.
- Kamarudin K. A., Ismail W. A. & Samsuddin M. E. (2012). The influence of CEO duality on the relationship between audit committee independence and earnings quality. *Social and Behavioral Sciences*, 65, 919-924.
- Kang, J. (2019). Are audit committees more challenging given a specific investor base? Does the answer change in the presence of prospective critical audit matter disclosures? *Accounting, Organizations and Society*, 77, 1-14.
- Khajavi, S. & Ghadirian Arani, M. (2016). Investigation of the impact of earnings quality on restatement of financial statements, 7(2), 59-84. (In Persian)
- Kend, M. (2008). Client industry audit expertise: Towards a better understanding, *Pacific Accounting Review*, 20, 49-62.
- Kent, P., Routledge, J. & Stewart, J. (2010). Innate and discretionary accruals quality and corporate governance. *Accounting and Finance*, 15(1), 171-195.
- Lary, A. K. & Taylor, D. W. (2012). Governance characteristics and role effectiveness of audit committees. *Managerial Auditing Journal*, 27(4), 336-354.
- McMullen, M. (1990). IR: Staying on top in the 90s. *Public Relations Journal*, April: 30-31.
- Miko N. H. & Kamardin, H. (2015). Impact of audit committee and audit

- quality on preventing earnings management in the pre-and post-Nigerian corporate governance code 2011. *Management and Social Science Research*, 127, 651-657.
- Mohammadzade S. H., Badavar N. Y. & Esmaeelnejad, M. (2015). *Accounting and Auditing Review*, 22(1), 125-142. (In Persian)
- Moradi, M. & Hosseinzadeh, S. (2017). The role of corporate governance in firms financial distress: Pre- and post-internal controls instruction. *Journal of Financial Accounting Research*, 9(3), 67-90. (In Persian)
- Norman, M. S., Mohid, M. R. & Takiah, M. I. (2006). Audit committee characteristics and earnings management: Evidence from Malaysia. *Asian Review of Accounting*, 15(2), 147-163.
- Pucheta-Martinez, M. C. & Fuentes, C. D. (2007). The impact of audit committee characteristics on the enhancement of the quality of financial reporting: An empirical study in the Spanish context. *Corporate Governance: An International Review*, 15(6), 1394-1412.
- Rainsbury E. A., Bradbury M. & Cahan S. F. (2009). The impact of audit committee quality on financial reporting quality and audit fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 5(1), 20-33.
- Vafeas, N. (2005). Audit committee, boards, and the quality of reported earnings. *Contemporary Accounting Research*, 22(4), 1093-1122.
- Wild, J. J. (1994). Managerial accountability to shareholders: Audit committees and the explanatory power of earnings for returns. *The British Accounting Review*, 26(4), 353-374.